

هر کشور متفاوت بوده است. ولی در مجموع برآیند مشترک نقطه نظرات مذکور در تمامی کشورها در کنار سایر عوامل و متغیرهای گوناگون دیگر در امر پی‌گیری خصوصی‌سازی، افزایش کارایی عوامل تولید و کمک به تسریع روند رشد و توسعه اقتصادی این کشورها بوده است.

تاریخچه اجرای سیاست خصوصی‌سازی در بخش انرژی

سال‌های دهه ۱۹۸۰ آغاز فعالیت‌های خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف دنیا محسوب می‌شود. طی این سال‌ها بسیاری از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه اقدام به اجرای سیاست خصوصی‌سازی در بسیاری از بخش‌های فعال در ساختار اقتصادی خود کردند. بخش انرژی از جمله بخش‌های درگیر در فرایند اجرای سیاست خصوصی‌سازی بوده است. عملکرد اجرایی سیاست خصوصی‌سازی نشان می‌دهد که همزمان با اجرای این سیاست در کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان شرقی و پاکستان، بخش انرژی مورد توجه قرار گرفته و در برخی زیر بخش‌های آن در کشورهای مذکور اقدام به خصوصی‌سازی شده است. در این مقاله تا حد ممکن کوشش شده است تا با استناد به تجربه عملی کشورهای مختلف در زمینه اجرای سیاست خصوصی‌سازی، به تاریخچه مختصری از "موضوع خصوصی‌سازی در بخش انرژی" اشاره شود.

تجربه انگلستان^۱

از جمله کشورهایی که در اجرای سیاست خصوصی‌سازی پیش قدم بوده، کشور انگلستان است. در این کشور که تا ۱۹۷۹ نقش دولت در بسیاری از زمینه‌های فعالیت از جمله حمل‌ونقل، ارتباطات، آب، برق، مسکن، بهداشت و... چشم‌گیر و قابل توجه بوده است، اجرای سیاست خصوصی‌سازی از اوایل دهه ۱۹۸۰ به مرحله اجرا درآمده است.

اطلاعات موجود از عملکرد اجرای سیاست خصوصی‌سازی در این کشور نشان می‌دهد که دولت انگلستان تا ۱۹۸۶ حدود ۷/۵ میلیارد پوند از دارایی‌های خود را واگذار کرد که از این مبلغ ۶/۷۰ میلیارد پوند از فروش تنها هفت شرکت دولتی به دست آمده است. در این میان فروش قسمت مهم سهام British Telecom ۳/۶ میلیارد پوند را عاید دولت انگلستان کرد و پس از آن فروش سهام شرکت British Gas (گسترده‌ترین سهامی که منتشر شده است) منابعی بیش از ۵/۴ میلیارد پوند را از آن دولت انگلستان کرد. در این ارتباط از دیگر شرکت‌های دولتی فعال در بخش انرژی انگلستان که در جریان خصوصی‌سازی واگذار شده و یا سهام آن‌ها به فروش رسیده است می‌توان به شرکت‌های (1979) British Petroleum، Cable Britoil، (1985-1981)، Cable and Wireless (1984)، Enterpriseoil اشاره کرد که تماماً در بخش‌های مختلف انرژی این کشور مشغول به فعالیت بوده‌اند.

مروری بر روند جهانی خصوصی‌سازی در زیربخش‌های انرژی

مهری رحیمی‌فر

(کارشناس ارشد اقتصاد، از معاونت امور اقتصادی)

مقدمه

در مباحث جدید توسعه، آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی و واگذاری فعالیت‌های دولت به بخش غیردولتی، مفاهیم رایجی هستند که طی سال‌های اخیر ظهور و به سرعت مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته‌اند. این دوره سرشار از تحولات و تغییرات عمده در موضع‌گیری‌ها و اتخاذ روش‌های مختلف در صحنه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی است.

از دیدگاه نظری بعد از این‌که ناتوانی و شکست سازوکارهای بازار مورد قبول بیشتر اقتصاددانان قرار گرفت (دهه ۱۹۴۰) و دولت به عنوان نیرویی که با ابزارهای خود می‌تواند نارسایی‌های حاصل از عملکرد بازار را جبران کرده و رفاه را افزایش دهد، قدم در فعالیت‌های اقتصادی گذاشت.

در حالی‌که طی دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی بنگاه‌داری دولتی، به عنوان ابزار و راه حل دستیابی به تخصیص بهینه منابع و حصول کارایی اقتصادی محسوب و مورد استفاده سیاست‌گذاران و طراحان اقتصادی کشورهای مختلف دنیا قرار داشته است، عملکرد بیش از سه دهه تجربه حضور در بخش دولت و بنگاه‌داری دولتی در صحنه اقتصاد کشورهای مختلف دنیا نشان از ضعف و ناتوانی سازوکار مذکور در دستیابی به اهداف مورد استفاده بوده است. به گونه‌ای که به منظور مواجهه با مشکلات اقتصادی، ناشی از عدم تخصیص مطلوب منابع در فعالیت‌های گوناگون و افزایش کارایی، طرح سیاست خصوصی‌سازی طی دهه‌های ۸۰ به بعد محور و مبنای فکری تئوری پردازان اقتصادی و رفع مشکلات مزبور قرار گرفت. اجرای سیاست خصوصی‌سازی و واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش غیردولتی نه تنها در کشورهای با اقتصاد آزاد بلکه در کشورهای با اقتصادهای برنامه‌ای به شدت مورد توجه واقع شد، در این راستا کشورهایی نظیر انگلستان و آلمان شرقی مصادیق بارز کشورهای مذکور هستند.

البته بحث پیرامون اهداف و انگیزه‌های خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی در اقتصاد کشورهای گوناگون متفاوت جلوه کرده است و بسته به شرایط و اوضاع و احوال خاص اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در

جدول ۱. خصوصی سازی بنگاه های مهم دولتی در انگلستان

تاریخ	بنگاه	عواید حاصل از فروش (میلیون پوند)	سهام فروخته شده (درصد)
۱۹۸۱	British Aerospace	۴۳	۵۱/۶
۱۹۸۱	Cable & Wireless	۱۸۲	۴۹/۴
۱۹۸۲	Britoil	۶۲۷	۵۱
۱۹۸۳	Cable & Wireless	۲۶۳	۲۷/۹
۱۹۸۴	Enterpriseoil	۳۸۰	۱۰۰
۱۹۸۴	Jaquar Cars	۲۹	۱۰۰
۱۹۸۴	British Telecom	۳/۶	۵۰/۲
۱۹۸۵	British Aerospace	۳۴۶	۴۸/۴
۱۹۸۵	Britoil	۴۲۵	۴۸/۹
۱۹۸۵	Cable & Wireless	۶۰۰	۲۲/۷
۱۹۸۶	British Gas	۵/۴	۱۰۰

Source: Dieter Bos, Privatization: A Theoretical Treatment, Clarendon Press Oxford, 1991.

همچنانکه ملاحظه می شود در تجربه عملی کشور فرانسه نیز تسری اجرای سیاست خصوصی سازی به بخش انرژی ملاحظه می شود و دو شرکت از میان ۶۵ شرکت قابل واگذاری در زمینه های فعالیت در بخش انرژی قرار داشته اند.

تجربه آلمان شرقی

یکی دیگر از تجربه های موفق در زمینه اجرای سیاست خصوصی سازی مربوط به کشور آلمان شرقی است. آغاز اجرای سیاست خصوصی سازی در این کشور به ۱۹۹۰ میلادی پس از اتحاد دو آلمان برمی گردد. در واقع در این سال سازمان تروی هند (Treuhand) تشکیل شد که مسؤلیت اصلی در امر واگذاری بیش از ۴۰ هزار بنگاه تولیدی دولتی در کشور آلمان شرقی را بر عهده داشته است. هدف از ارائه این بحث گزارشی کامل از چگونگی اجرای سیاست خصوصی سازی، مشکلات، موانع، راه حل ها و روش های اجرایی در این کشور نیست که خود موضوع بحث جداگانه ای است ولی منظور اساسی از ارائه تجربه کشور آلمان شرقی، بیان تاریخچه حضور بخش انرژی در لیست فعالیت های قابل واگذاری در این کشور می باشد. بر اساس اطلاعات موجود می توان مشاهده کرد که بنگاه های واگذار شده به بخش خصوصی در کشور آلمان شرقی تا ۱۹۹۲ در حدود پنج شرکت در بخش انرژی و آب فعالیت داشته اند.

تجربه پاکستان

در تجربه اجرای سیاست خصوصی سازی در کشور پاکستان، حضور بنگاه های دولتی فعال در بخش انرژی این کشور قابل توجه بوده است. سال های آغاز خصوصی سازی در کشور پاکستان اواخر دهه ۱۹۷۰ است. اقتصاددانان پاکستان علل اساسی رویکرد دوباره به سوی

تجربه فرانسه

با توجه به بحران و رکود فعالیت های اقتصادی طی اوایل دهه ۱۹۸۰ در کشور فرانسه، به رغم ساختار دولتی حاکم بر نظام اقتصادی این کشور که طی دهه های گذشته بر این کشور اعمال می شد، طی دوره ۸۳-۱۹۷۹ بسیاری از بنگاه های اقتصادی تحت تصدی دولت با وضع نابسامانی مواجه شدند و تنها با حمایت های مالی دولت این کشور توانستند سطح اشتغال خود را تثبیت کنند. عوامل مذکور زمینه ساز تحول فکری در سیاست گذاران این کشور شد چنانکه دولت سوسیالیستی در ۱۹۸۳ برخی از بنگاه های دولتی را ناتوان در جهت تداوم روند فعالیت دانست و بر این اساس از ۱۹۸۶ به طور رسمی اجرای سیاست خصوصی سازی در این کشور آغاز شد. در این رابطه مجلس قانون گذار کشور فرانسه در ۱۹۸۶ لیستی از شرکت های انتخاب شده برای واگذاری را به اطلاع عمومی مردم رساند و بر حسب رشته فعالیت آن ها را معرفی کرد.

جدول ۲. شرکت های قابل واگذاری در کشور فرانسه طی سال های (۱۹۸۶-۹۱)

زمینه فعالیت	تعداد
بانکداری	۳۸
بیمه	۱۳
تأمین اعتبار	۴
*انرژی	۱
حمل و نقل	۱
*نفط	۱
صنعت	۶
ارتباطات	۱
جمع	۶۵

جدول ۳. بنگاه‌های دولتی واگذار شده به بخش خصوصی در کشور آلمان شرقی در ۱۹۹۲

تعداد	زمینه فعالیت	تعداد	زمینه فعالیت
۴۵	فولادسازی و فولادکاری	۳۶۳	خدمات
۴۱	حمل و نقل	۳۰۳	شرکت ساختمانی
۳۲	کانی غیرفلزی	۲۳۸	شرکت‌های مسافت ماشین
۳۰	پلاستیک و شیمی	۱۳۳	عمده و خرده فروشی
۱۳	سایر	۹۶	تولید مواد غذایی
۵	انرژی و آب	۶۸	اپتیک و پلاستیک
۵	کشاورزی و جنگلداری	۶۳	چوب، کاغذ
۲	معادن	۴۸	پوشاک و نساجی و چرم

مأخذ: سازمان صنایع ملی ایران، خصوصی‌سازی شرایط - تجربیات، جلد اول، ص ۴۲۲.

یک شرکت نفتی امارات متحده عربی با همکاری یک بنگاه دولتی در پاکستان یک قرارداد ۴۰۰ میلیون دلاری جهت ساختن پالایشگاه در کراچی منعقد کرده است.

با توجه به تجربه کشورهای مختلف در فرایند اجرای سیاست خصوصی‌سازی، ملاحظه می‌شود که از همان سال‌های اولیه رویکرد دوباره به نظام بازار و به‌کارگیری روش خصوصی‌سازی در این ارتباط (دهه ۱۹۷۰) در بسیاری از کشورها بخش انرژی نیز یکی از بخش‌های درگیر در فرایند مذکور بوده است که تجارب موجود نشان می‌دهد این خصوصی‌سازی اغلب از طریق انتقال مالکیت بلکه از طریق سایر روش‌های مرسوم صورت پذیرفته است.

الف) تجربه خصوصی‌سازی در صنعت برق

طی دو دهه گذشته توسعه بخش خصوصی عرضه‌کننده نیروی برق، که یکی از مهم‌ترین تحولات عرضه برق در سطح جهان به‌شمار می‌رود. این در حالی است که در دو دهه قبل (۱۹۸۰) در حقیقت تمام کشورها، حتی کشورهای سرمایه‌داری جهان برای اداره امور مالی، ساختمانی و عملیات راه‌اندازی شبکه‌های برق خود، به انحصارات چندگانه یا انحصارات دولتی متکی بودند.

عوامل محرک برای خصوصی‌سازی در بخش‌های مختلف متنوع و زیاد هستند. به‌عنوان مثال در اروپای شرقی، اجرای سیاست خصوصی‌سازی به دنبال متلاشی شدن رژیم‌های کهنه به‌اجرا درآمده است و همچنان دنبال می‌شود چنان‌که در این کشورها اجرای سیاست مذکور با فشارهای سیاسی و اجتماعی نیز توأم بوده است. در صورتی که در کشورهای صنعتی پیشرفته، خصوصی‌سازی جهت افزایش کارایی، بازدهی و صرفه‌جویی در جهت تولید و عرضه بیشتر برق به اجرا درآمده و ادامه دارد. برای مثال، آنچه در امریکا به‌عنوان سیاست مؤثر دولت در امر انرژی صورت گرفت این بود که به نظامی که به‌طور کامل دارای قدرت رقابت در این زمینه باشد به‌تدریج انتقال دهد. در کشورهای صنعتی عقیده بر این است که با اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی و با اعمال مدیریت صحیح و با بهترین روش استفاده از منابع موجود، کل جامعه و تمام اقشار مملکت از اجرای این برنامه

سازوکار بازار آزاد در این کشور را عواملی از جمله زیان‌دهی کلان و مداوم فعالیت‌های اقتصادی دولت و در نتیجه ناکام ماندن در حصول اهداف اقتصادی - اجتماعی، شیوع فساد در بخش‌های مختلف جامعه و در اثر دخالت‌های حد و حصر و کنترل‌های غیرضروری دولت بر این بخش‌ها، نیاز شدید دولت به منابع مالی در جهت اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری زیربنایی، محوریت راهبردی توسعه صادرات و ضرورت به‌کارگیری منابع مالی و مدیریتی بخش خصوصی، اعلام کرده‌اند.

بر این اساس اجرای سیاست خصوصی‌سازی در این کشور نیز از اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و بخش‌های مختلفی را از جمله بخش مالی، بانکداری، حمل و نقل، برق، انرژی، نفت و گاز، ارتباطات، راه‌آهن و بنادر شامل شد. قابل ذکر است که تجربه خصوصی‌سازی در شرکت‌های نفت، گاز و برق در کشور پاکستان بسیار موفقیت‌آمیز بوده و باعث شده است که بزرگترین شرکت توزیع گاز پاکستان به‌نام (SNGPL) به بخش خصوصی واگذار شود. در اولین مرحله واگذاری این شرکت، مالکیت دولت از ۹۸ درصد به ۲۶ درصد کاهش یافت و در مرحله دوم مالکیت دولت تنها به "سهام طلایی" محدود شد.^۲

در بخش برق تغییرات اجتماعی حاصل از خصوصی‌سازی به دلیل کم و کیف مصرف از دیدگاه تقاضاکنندگان این بخش اقتصاددانان و سیاستمداران را تحت تأثیر خود قرار داده و توجه آن‌ها را به خود معطوف کرده است.

نکته قابل توجه دیگر در تجربه خصوصی‌سازی کشور پاکستان تلاش این کشور در جهت استفاده از سرمایه‌های خارجی است. چنانچه واگذاری خطوط حمل و نقل و امور مربوط به بخش نفت و گاز از طریق مشارکت سرمایه‌های خارجی صورت گرفته است. میزان جذب سرمایه خارجی در ۱۹۸۹ حدود ۱۲۰ میلیون دلار بوده است و

منتفع می‌شود.

داشت. در اروپا به‌عنوان مثال فرانسه با برنامه‌ریزی‌هایی قصد دارد انرژی اتمی مازاد خود را با استفاده از آیین‌نامه‌های جامعه اروپا

در این حال در اکثر کشورهای در حال توسعه انجام امر خصوصی‌سازی فقط برای عقلایی کردن قیمت‌ها، تعرفه‌ها، ساختارها و از بین بردن یارانه‌ها به‌اجرا درآمده است چنانچه سیاست‌گذاران در این کشورها معتقدند انجام‌ندادن آن باعث اختلال در بازار و اقتصاد کشورها می‌شود.

در ارتباط با صنعت برق از آن‌جا که کمتر دیده شده است که کشوری بتواند بدون انجام امر خصوصی‌سازی سرمایه‌های لازم برای توسعه صنعت برق را فراهم کند و با در نظر گرفتن این مسأله که توسعه صنعت برق، توسعه و رشد سایر صنایع و بخش‌های خدماتی را نیز فراهم خواهد آورد، اجرای سیاست خصوصی‌سازی در مراحل مختلف فرایند تولید و توزیع در صنعت برق، موجب بهره‌برداری مطلوب‌تر از منابع و تخصیص کارایی آن در امور مختلف شده و رونق اقتصادی را به‌همراه خواهد داشت.^۳

در بخش برق تغییرات اجتماعی حاصل از خصوصی‌سازی به‌دلیل کم و کیف مصرف از دیدگاه تقاضاکنندگان این بخش، اقتصاددانان و سیاست‌مداران را تحت تأثیر خود قرار داده و توجه آن‌ها را به‌خود معطوف کرده است. در عین حال از لحاظ فنی و تخصصی مهندسان بیشتر از دیگران با این تحولات و تغییرات حاصل از خصوصی‌سازی و به‌ویژه از لحاظ انتخاب نوع فن‌آوری و تجهیزات برای تحقق اهداف تولید برق انبوه درگیر بوده‌اند. در ارتباط با اجرای سیاست خصوصی‌سازی در فرایند تولید بخش برق، اولین حرکت به سوی سوخت گاز طبیعی و توربین‌های گازی و پروژه‌های ترکیبی و استفاده از آن به‌طور اعم بوده است. کشور انگلستان با وجود استفاده از تجربه کشور ایالات متحده آمریکا، در حال اجرای برنامه‌های ساختمانی مختلف و پروژه‌های بزرگ ترکیبی (سیکل ترکیبی) به‌منظور بهره‌برداری مطلوب‌تر از برق است.

بر این اساس با توجه به استفاده از فن‌آوری جدید دوره ترکیبی در صنعت برق، نیروگاه‌های تولید برق در کشور انگلستان به‌صورت خصوصی درآمده و موقعیت‌هایی نیز برای توسعه و پیشرفت آن‌ها در نظر گرفته شده است. که موجب صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌های پرسنلی در این نیروگاه‌ها شده است. به این ترتیب که با اتخاذ سیاست قیمت‌گذاری آزاد (Free - Market Electricity-Princing)، کارایی و بازدهی بیشتری در نیروگاه‌ها حاصل می‌شود. بنابراین و در صورت استفاده از فن‌آوری ترکیبی در امر خصوصی‌سازی (Specialized Component of Technology) نیاز به انجام اموری از جمله ارزشیابی عملیات، بررسی موانع و نارسایی‌ها، بررسی نتایج اولیه طراحی‌ها جهت نیل به حداکثرکردن بازدهی و با استفاده از نرم‌افزار و سخت‌افزارهای کامپیوتری و کاربرد سرعت‌های متغیر در موتورها و پمپ‌ها و انجام اصلاحاتی در تکنیک‌های مدیریتی خواهد بود. در مورد تأمین عرضه برق در فرایند مذکور، کارشناسان به این نکته توجه داشته‌اند که انجام امر خصوصی‌سازی در صنعت برق، گرایش قابل توجهی را در ایجاد تعادل عرضه و تقاضای منطقه‌ای برق خواهد

در بازار انرژی جهان استفاده از منابع مختلف انرژی به‌ویژه گاز طبیعی (LNG) رونق بسیاری یافته است چنان‌که بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت و همچنین واردکننده نفت اولویت به‌کارگیری از این نوع سوخت را در فرایند تولید محصولات گوناگون پی‌گیری و تجربه کرده‌اند.

(EC 92) از طریق مناطق بدون مرز در کشورهای اروپای غربی و در کشورهای بلوک شرق از طریق قراردادهای جدید تخلیه کند و یا به‌عنوان مثال کشور ایسلند قصد دارد انرژی آبی خود را از طریق اسکاتلند و با استفاده از کابل‌های ۸۰۰ کیلومتری زیردریایی به انگلستان انتقال دهد. نروژ در نظر دارد که نیروگاهی با ظرفیت ۶۵۰ مگاوات (نیروگاه ترکیبی) جهت فروش برق به فنلاند احداث کند. کشورهای مختلف در خاورمیانه نیز علاقمندند که هم به یکدیگر و هم به اروپا (از طریق ایتالیا به ترکیه) با استفاده از کابل‌های زیردریایی متصل شده و در زمینه نقل و انتقال انرژی برق فعال عمل کنند.

همچنین در کشورهای اروپایی نظیر آلمان، فرانسه، ایتالیا، پرتغال و انگلستان همچنان که گاهی به آن اشاره شد، سیاست خصوصی‌سازی صنعت برق از اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز و به‌اجرا درآمده است و در این راستا برنامه‌ریزی‌های وسیعی در جهت ساخت و احداث نیروگاه‌ها با ظرفیت بالا از طریق بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک میان کشورهای اروپایی به‌عمل آمده است.

اهداف و فواید مورد انتظار از اجرای سیاست خصوصی‌سازی در صنعت برق

هم‌چنان‌که ملاحظه شد طی سال‌های اخیر خصوصی‌سازی صنعت برق در زیر بخش‌های مختلف این صنعت اعم از تولید، توزیع و یا انتقال برق به‌نحو قابل توجهی در صدر سیاست‌گذاری‌های کشورهای مختلف قرار گرفته است و در این ارتباط سرمایه‌گذاری‌های مشترک خارجی و یا استفاده از سرمایه‌های داخلی کشورها با هم مورد بهره‌برداری و استفاده واقع شده است. نکته حائز اهمیت در مورد مزایا و منفعی است که احتمالاً از سوی اجرای سیاست خصوصی‌سازی در بخش برق عاید کشورهای مختلف می‌شود. البته توجه به این نکته نیز ضروری است که با توجه به اهداف و روش‌های اجرای سیاست خصوصی‌سازی دستیابی به منافع و مزایای احتمالی در کشورهای گوناگون در درجات متفاوت قرار خواهد گرفت ولی فصل مشترک

تمامی این انتظارات را می‌توان در چند مورد کلی به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. تصمیم‌هایی برای سرمایه‌گذاری و احداث نیروگاه‌ها توسط شرکت توزیع‌کننده که منعکس‌کننده نیازهای مصرف‌کنندگان هستند، اتخاذ خواهد شد.
 ۲. به وجود آمدن رقابت در این زمینه باعث خواهد شد که قیمت تمام شده و هزینه‌های برق افزایش نیافته و تأمین منافع مصرف‌کننده در اولویت قرار گیرد.
 ۳. متقاضیان و مصرف‌کنندگان برق از حق و حقوق جدیدی برخوردار خواهند شد که متناسب با نیازهای آن‌ها تعدیل خواهد شد.
 ۴. مدیران دستگاه‌ها و سازمان‌های فعال در این رابطه آزادی عمل بیشتر خواهند داشت و از یک چارچوب منطقی برای دستیابی به اهداف خود پیروی خواهند کرد.
 ۵. ضمانت اجرایی و تأمین و امنیت برای عرضه برق به موقع و متناسب با نیازها، تحقق خواهد یافت.
 ۶. صنایع فعال در این بخش قادر به تأمین مالی خود از طریق بخش خصوصی خواهند شد.
 ۷. کارکنان این صنایع حق مشارکت و سهام‌شدن در فعالیت‌های صنعت را خواهند داشت و همچنین مشتریان و مصرف‌کنندگان نیز دارای چنین حقی خواهند بود.
- البته تعمیم تمامی مزایای مذکور به کشورهای مختلف امری منطقی نبوده و نیست، ولی در مجموع اصلاح ساختاری، عرضه اقتصادی برق و رفع معایب و کاستی‌های این صنعت از جمله ویژگی‌های اصلی اهتمام به خصوصی‌سازی در صنعت برق محسوب می‌شود.

ب) تجربه اصلاح ساختار در بخش نفت

امروزه نفت به عنوان یک کالای مهم اقتصادی در زمینه‌های مختلف سیاست‌گذاری ایفای نقش می‌کند. به عبارت دیگر نیاز کشورهای مختلف جهان اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه به نفت و فرآورده‌های آن جایگاه ویژه‌ای برای این محصول در عرصه بین‌المللی به وجود آورده است. از این رو صنعت نفت در هر کشور اهمیت خاصی دارد. در این راستا بهره‌مندی از کلیه امتیازات و مطلوبیت‌های ناشی از تحرک منابع در این صنعت در زمینه‌های گوناگون فعالیت از جمله دغدغه‌های اساسی مسئولان و سیاست‌گذاران این بخش از اقتصاد هر کشور است.

در این رابطه کشورهای تولید و صادرکننده نفت به لحاظ موقعیت استراتژیک از حساسیت بیشتری برخوردار بوده و در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود اتکاء بیشتری به بخش نفت دارا هستند. نکته حائز اهمیت در این مورد آن است که چگونه می‌توان کارایی و مطلوبیت بهره‌برداری از منابع نفتی را به حداکثر رساند و چگونه قوانین و مقرراتی لازم است تا دستیابی به انتظارات را در این رابطه تسهیل و ممکن سازد. در این راستا آزادسازی جنبه‌های گوناگون فعالیت در بخش نفت در کنار آزادسازی سایر بخش‌های فعالیت در اقتصاد کشورهای مختلف، مسأله در خور توجهی است که امروزه برخی

کشورها به آن توجه خاص کرده‌اند.

نفت به عنوان یک کالای سیاسی - اقتصادی در بروز تغییر و تحولات اقتصادی - اجتماعی نقش مهمی را ایفا کرده است. چنان‌که طی دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بروز شوک‌های نفتی به صورت مختلف موجب تحریک عوامل مهمی چون قیمت و تقاضا را در این بازار فراهم کرده است. اصولاً بازار نفت به لحاظ ماهیت عملکرد خود اغلب وابسته به دولت بوده است و همواره دولت‌ها از ناحیه نوسان‌ها این بازار بیشترین تأثیر را پذیرفته‌اند ولی امروزه به دلیل فراگیری سیاست خصوصی‌سازی، بخش نفت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و زیر بخش‌هایی از آن در معرض خصوصی‌سازی قرار گرفته و یا در مسیر آزادسازی قوانین و مقررات مربوط به این بخش اقدام‌هایی در برخی کشورهای نفت‌خیز و یا واردکننده نفت صورت پذیرفته است. بازتاب نوسان‌ها و تحولات بخش نفت را در روند رشد و توسعه اقتصادی کشورهای مختلف می‌توان به وضوح ملاحظه کرد. چنان‌که اثرات کاهش رشد اقتصادی کشورهای صنعتی جهان در دهه ۱۹۸۰ را بر کاهش شدید تقاضای نفت در این مقطع زمانی به طور کامل می‌توان از پی‌آمدهای ارتباط متقابل نوسان‌های بازار نفت و بخش تقاضا برای این محصول دانست و یا تأثیر افزایش شدید قیمت نفت در اواسط دهه ۱۹۷۰ را بر روند رشد و توسعه اقتصادی کشورهای نفت‌خیز جهان را می‌توان از دیگر پدیده‌های تجربه شده در مورد رابطه متقابل مذکور دانست. بر این اساس اهداف و نیت سیاسی و اقتصادی هر دو در اهمیت و جایگاه ویژه بخش نفت در سطح بین‌المللی تأثیر به‌سزایی از خود برجای گذاشته است که تجارب مختلف در این زمینه مؤید آن است.

ج) تجربه خصوصی‌سازی در بخش گاز

در بازار انرژی جهان، استفاده از منابع مختلف انرژی به ویژه گاز طبیعی (LNG) رونق بسیاری یافته است. چنان‌که بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت و همچنین واردکننده نفت اولویت به کارگیری از این نوع سوخت را در فرایند تولید محصولات گوناگون پی‌گیری و تجربه کرده‌اند.

تجارت LNG در عرصه فعالیت بازار انرژی از ۱۹۹۷ تاکنون شاهد نوسان‌هایی در عرضه و تقاضای این محصول بوده است. به گونه‌ای که افت شدید قیمت‌ها در اواخر ۱۹۹۷ و اوایل ۱۹۹۸ و سپس افزایش قیمت‌ها در ۱۹۹۹ از نمونه‌های بارز این نوسان‌ها بوده است.

رشد سالانه تقاضای انرژی در کشورهای شرق آسیا که در سال‌های اخیر بیش از پنج درصد بوده است در ۱۹۹۸ به طور مشخص کاهش یافته و قیمت نفت نیز حدود ۵۰ درصد کاهش یافت. اما در اوایل ۱۹۹۹ با شروع بهبود وضع اقتصادی شرق آسیا و کاهش عرضه از سوی کشورهای اوپک دوباره قیمت‌ها افزایش یافته و همچنان ادامه داشته و در مجموع بازار تجارت LNG از ۱۹۹۹ به بعد با بهبود قابل توجهی مواجه بوده است.

براساس اطلاعات موجود دورنمای آینده وضع فعالیت‌های تجاری در بخش گاز براساس پروژه‌های عرضه و تقاضای LNG در

Private Affair Asia, the Eastern Economic Review, July 25, 1985.

۳. مراجعه شود به خصوصی سازی صنعت برق از منبع زیر:

Electric Power International , March, 1992.

۴. مجله تحولات بازار گاز- مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، شماره ۸، اسفند ۱۳۷۸.

منابع

وزارت نیرو، ماهنامه علمی - تخصصی صنعت برق، سال چهارم، تیر، شهریور، آذر، دی و اسفند ۱۳۷۸، سال سوم فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷، سال دوم، اسفند ۱۳۷۶.

مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، مجله تحولات بازار نفت، شماره ۱۵، شهریور ۱۳۷۸.

بولتن تحولات بازار گاز، شماره های ۲۰۱ و ۳، اردیبهشت، تیر و اسفند ۱۳۷۸.

مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی وابسته به وزارت نفت، بولتن ماهانه شماره های ۴، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۲۹ سال ۱۳۷۸ و شماره های ۲۲ و ۲۶ مربوط به ۱۳۷۹.

نشریه انجمن اقتصاد انرژی ایران، شماره های ۸۰، ۷۶، ۶۵ و ۱۰ مربوط به ۱۳۷۸ و شماره ۴، ۱۳۷۶ و شماره های ۱۱ و ۱۲ مربوط به ۱۳۷۹.

بولتن ماهانه وزارت نیرو (امور انرژی) شماره های ۱۳ و ۱۴ در ۱۳۷۵، شماره های ۱۰، ۲، ۱، ۹ و ۱۳۷۶ و شماره های ۶، ۷، ۵، ۴، ۸، ۱۱ و ۱۲ در ۱۳۷۷ و شماره ۳ در ۱۳۷۸.

نشریه انرژی، وزارت نیرو، شماره های ۹۸، ۷ و ۱۰ در ۱۳۶۴، شماره ۷ در ۱۳۶۲.

نشریه پیام انرژی، شورای جهانی انرژی، کمیته ملی انرژی ج.ا.ا، شماره ۳۰، سال سوم ۱۳۷۷.

Privatization and Restructing of Electricity Provision, by Daniel Ezamanski, Praeger Publishers. West Port, Conn. 1999.

Privatization of the SEMDA Power System (Venezuela), News and Articles, September 18, 1998.

Westar/ Kinetik Energy Privatized, news release , office of the treasurer, 31 January 1999.

Privatizing and the Globalization of energy markets, Neal C.Davis, National Energy Information Center, October 7. 1997.

Privatizing District Energy in charlottetown, PEI , Thomas R. Casten, President and CEO, Trigen energy corporation, Re- printed from district energy magazine, 1996.

Privatization and Globalization of Energy Markets (EIA), Emerging Markets and Latin America, 1998.

The energy sector in Mexico: Electricity Privatization , by Jorge Chonea Presa, deputy secretary for energy policy and development ministry of energy, Mexico, March 25. 1999.

Privatization in the energy sector, Brazilian ministry of mines and energy, 3.5.2000.

NEPA/ International Policy Issues, Mexico Moves tentatively toward energy privatization , Jonathan frieland, Mexico experiments and lets private sector supply national gas, wallstreet journal, October 6. 1998.

Privatization programmes Korea electric power corporation. June 1999.

Brazils energy restructuring and privatization under the microscope, Marshall Kalpan, 1998.

Articles restructuring the electriciety sector in the economics in transit: on, particularly in the baltic states, Dr Klaus brendow, world energy council, December 1997.

جهان را طی دهه های آینده به نقل از ناظران سیاسی - اقتصادی می توان به این شرح ارائه کرد:^۴

- شرکت گاز مایع قطر (Qatargas) در حال حاضر دارای سه خط تولید LNG است. این شرکت قرارداد بلندمدتی جهت عرضه شش میلیون تن در سال به مشتریان ژاپنی دارد و همچنین فروش تک محموله های به مشتریان در ترکیه، ایتالیا، اسپانیا و امریکا را دنبال می کند.

- شرکت LNG آتلانتیک (Atlantic LNG CO) واقع در ترینیداد در ابتدای ۱۹۹۹ خط تولید LNG خود با ظرفیت سه میلیون تن در سال راه اندازی کرده و محموله هایی جهت مصرف به اسپانیا و امریکا ارسال داشته است.

- دومین پروژه عرضه LNG در قطر، توسط راس گاز (Rasgas)، اولین خط تولید خود را بر پایه قرارداد عرضه ۴/۸ میلیون تن در سال به شرکت گاز کره جنوبی (Kogas) راه اندازی کرده است. شرکت راس گاز در حال حاضر با جدیت مذاکره خود جهت عرضه به مشتریانی در اروپا و آسیا را در جهت مقصد قطر که تبدیل شدن به یکی از بزرگترین عرضه کنندگان LNG در جهان است را دنبال می کند.

- پروژه LNG عمان قرار است طبق برنامه سالانه ۶/۶ میلیون تن در سال LNG به کره، ژاپن و هند عرضه کند.

- در اکتبر ۱۹۹۹، پروژه LNG نیجریه به ظرفیت ۵/۹ میلیون تن در سال LNG جهت عرضه به بازار حوزه آتلانتیک و مدیترانه راه اندازی شد.

- چندین پروژه جدید توسعه ای و یا تکمیلی (از جمله در چین و مالزی) در مرحله طراحی و یا مهندسی و ساخت هستند.

هم چنان که ملاحظه می شود استفاده از گاز طبیعی در سطح جهان به سرعت در حال افزایش است. میزان رشد تقاضا برای گاز ۵۰ درصد بیشتر از نرخ رشد تقاضا برای نفت خام است. این در حالی است که اگر ملاحظات زیست محیطی بتواند بر ملاحظات اقتصادی غالب شود، رشد تقاضای گاز باز هم بیشتر خواهد شد و دورنمای آینده این صنعت را بسیار پر رونق نشان می دهد.

در اغلب کشورها اجرای پروژه های عظیم استفاده از گاز طبیعی با حمایت و کمک های بی دریغ بخش خصوصی در کنار دولت کاملاً مشاهده می شود. در این ارتباط ساختار داخلی متکی به استفاده از منابع داخلی کشورها به همراه بهره برداری بین المللی از طریق مشارکت سرمایه گذاران خارجی در اجرای پروژه های مذکور نقش قابل توجهی را ایفا کرده اند.

پی نوشت:

۱. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به :

Privatization : Everybody's doing it differently , the Economist December , 21.

۲. به منظور اطلاع بیشتر نگاه کنید به منابع زیر:

ارزیابی عملکرد خصوصی سازی و شناسایی موانع و تنگناهای اجرایی آن در ایران، فصل دوم، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بهمن ۱۳۷۵.

Privatization : Every body's doing it, the Economist , December 21. 1985.